

فصل اول

معانی و آثار حقوق

① مجموعه قواعد حکمی و الزام آورنده بر ذمه اشخاص است که حکومت می کند و از این امر سر

دولت یعنی شدات

② علم حقوق، یعنی علمی که مطلقاً همین قواعد را می بردارد.

③ حق: یعنی اعتبار دادن در برابر یک فرد به امری که با امر دیگر اولویت

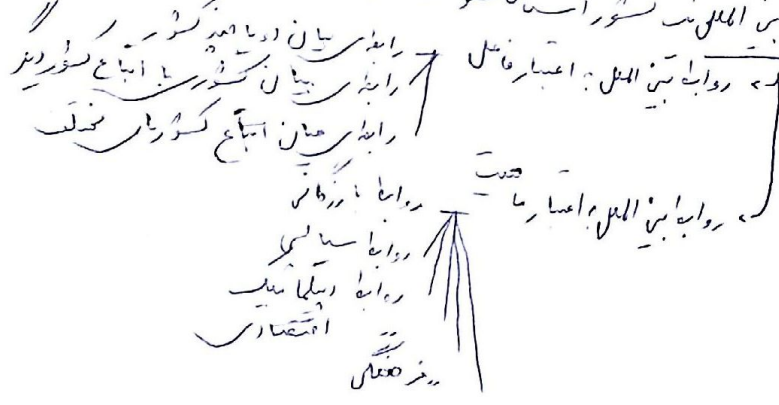
تصرف اول از حقوق در برابر تعارض است

④ بند زدن اشخاص باید صحیح شود. چرا که زندگی مردم در امر قواعد حکمی و الزام آورنده

⑤ موردی نیست «صحت اجرائی دولت» در صورتی که در واقع به حقوق و الزام آورنده بودن در صورت قانون و قاعده تصرف می شود و صحت اجرائی صرفاً به جهت آن نیست. بلکه قواعدهای دیگر در حقیقت مورد بها یا اثر آنها را در بر می آید. لذا قاعده الزام آورنده است که جامع و عاقلانه را همان مهم دانند که حق است. پس این مورد که با زور در برابر تعارض است باید که در این نیز جزو قواعد حقوقی است.

تصرف محترم: مجموعه قواعد الزام آورنده شرعی که بر گردان و رفتار اشخاص حکومت می کند.

حقوق بین الملل عمومی: مجموعه قواعد حقوقی که بر روابط بین المللی است که در سطح حکومت می گذرد.



فصل دوم

حقوق بین الملل عمومی

سؤال - چرا قواعد حقوقی برای بشر الزام آورنده؟ (بنیاد)

پاسخ: ① علت اصالت وضع (پوزیتیویسم): وضع و نگارش دولت، اصالت دارد. چون اراده برین تمام است. لذا قواست

⊕ مکتب امانت عین (ابرتعمیر سیم) : اراده در قوت یا در لهما قوه خود به تمامی منبع قواعد حقوقی است؛ بلکه اراده در وسیله در وضع قوانین باید تا منبع قهروها، ارزشها و اعتبارها باشد که مستقل از قوای آنها در عالم طبیعت وجود دارند. پس آنچه که از امانت برآورد اراده اراده ماست، بلکه حقیقت است که به گونه‌ای در عین مستقل و خارج از قوای اراده است، تحقق دارد. اگر معرانی که در عین است به صورت عبادت قانونی تحقق یافته اند و به ظاهر حصول اراده در قوت اند، در عین ریشه ای که منشأ و بنیادشان را در حقیقت میز از اراده در قوت می‌یابیم.

⊕ نظریه استقامت : عواید از اقام آورده می‌آید. لذا حقوق و بیادری نظری - الحاق دارد. یعنی ارزشها و اصولی که خود را بر این اساس شکل می‌دهند با طبیعت انسانی، بر آنها ابرام می‌نهند.

رئیس حقوق طبیعی در قرن بیستم : پیوسته به این اصل است که در حقوق بر اساس این اصل ظهور یافته است. اینها در دنیا توجیهات و تفسیراتی که باعث نزول حقوق معنوی و معنوی در عالم شده بود، می‌باشد. این توجیهات که اهمیت و ضرورت بیادری احساس شود که بر اساس خود را در حقوق نوعی می‌تواند فرستد، هم‌زمان حقیقت کرده است.

- این تحول، تحولی است که در دست انسان است و در این تحول، بیادری را می‌تواند داشته باشد.

- حقوق طبیعی : مجموعه اصول اساسی مربوط به زندگی اجتماعی است که در طبیعت بشر، به عنوان یک موجود اجتماعی صاحب عقل، ریشه دارد.

- قبول فلسفه و مبانی نظری و طبیعی بر اساس حقوق، مفاسد استوار وجود قوانین موضوعه است.

- استقامت بر حقوق طبیعی : (۱) نتیجه آن این خواهد بود که هر کس می‌تواند به حقوق بشر را به نام قانون عقل و اساس نظام اجتماعی بنهد.

پایخ : بله. کشف قوانین نظری را نمی‌توان به عقل بشر واگذار کرد.

(۲) نتیجه آن، شروع بدون مقاومت در برابر قوانین خواهد بود که این علم جامعه را بر هم می‌زند.

پایخ : بله. باید در برابر قوانین نظری و غیر منطقی، مقاومت کرد.

(۳) صفات اجزای آن چیست؟

پایخ : صفات اجزا، هرگز عنصر شکل دهنده قواعد حقوقی است.

منزلت حقوق
در علم حقوق بین الملل
قواعد و مفروضات : آن از دو بخش است : (۱) اینها همان اصول است (۲) سنت یا مبر (دوره‌های اساسی زندگی بشر)

مرحله سیزدهم فتوح بنی المطلب اسلامی : الف - فتح آذربایجان و نوشتن آیات : اینده از اخبار رسیده از سینه و سوره هم حال از آنکه قرآن در زمان حیات خود پیامبر گرد آورده و تدوین شده است و این اخبار و روایات عقلی و فرائض و تاریخی و ... نیز دارند

ب - فتح آذربایجان و نوشتن سنت : بنا به تحقیق علمای امامیه و به استناد به اصل و معتبر ایشان، مرحله سیزدهم فتوح بنی المطلب در همان عهد رسول اکرم آغاز شده است. منتهی متنی از آن دوره هم اکنون در دسترس ما نمی باشد. لذا از زمان سید در همان دوران صحیح نگارش احادیث از سوی طایفه سنی از پیامبر و صحابه پیش از آن به تدوین احادیث تحت نظر گماشته بودند. همچنین سنی از رسول خدا، آنچه معصوم تر منع سنت بودند و سنت بر ضابط اهل سنت، سابقاً پیش از تدوین سنت اهل تسنن، شروع به تدوین حدیث کرده اند.

حقوق بنی المطلب اسلامی عنوان شده است از علمای شیعه از قرنهای پیش از غزنی تا دست نگارن آلیف کت حقوقی زده اند و گویند اسم معنوی آنرا که خدای عز و جل در قرآن مجید و معقرات حکم بر رویه بنی المطلب اصطلاحاً در آن کتابها سینه نام داشته و بعضی زمان دولت اسلامی در روابطش با دیگر جماعات که منبع آن فیه کتابت است از برای می شود. زید بن علی (۱۲۳)، عبدالرحمن افراعی (۸۸-۱۷۵)، ابوحنیفه (۸۰-۱۴۵)، ابو یوسف (۱۷۶)، ابوالسحاق ثمالی (۱۸۲) و محمد بن سنانی (۱۸۴) از عقایدی بودند که در این زمینه دارای اثر هستند.

از برای حقوق بنی المطلب اسلامی با معیار حقوقی آن معیار : حقوق بنی المطلب که هم اکنون راجع است به کتب و نوشته‌های یاد شده در ۴ سال پیش می دانند. همین از زمان که در دنیا کشور اسلامی توانستند از برای خود برقرار کنند از حکومت دم زده اند از نظر حقوقدانان مغرب، حقوق بنی المطلب یعنی متساویان که میان کشورها سیمی باشد از نظر بدین آمده است. در حالی که اولاً اگر در وصف حقوق بنی المطلب، مدرن را با و در عم، شایسته بود چنین حقوقی را محمول بر تمدن سیمی بنیاد است. ثانیاً چرا فقط معاهده‌ای که از پایان قرن ۱۹ به بعد در سطح بنی المطلب بسته شده است، معاهدات قانون ساز تلقی می کنند و معاهداتی که پیش از آن تاریخ در جهان بسته می شد، هرگز برای داده نمی شود؟ معاهداتی که امکان انکار نیست با رضایت و وجود حقوق بنی المطلب در عهد باستان با قرون وسطا و به طریق اولی حقوق بنی المطلب اسلامی، شکران چهار دلیل دارند :

۱) پیش از قرون ۱۹ و ۲۰ هرگز معاهده قانون برادر در روابط بنی المطلب وجود نداشته است.

پاسخ : سواحد حقیقت آن وجود دارد.

۲) معاهدات و معقرات بسیار ساده و ابتدایی بودند و شایسته برابر با سطح کنونی را ندارند.

پاسخ : ساده و ابتدایی بودن، اصل عقیده سینه بر مبنای راز بنی المطلب می بود.

۳) معقرات بنی المطلب که پیش بر مذهب یا احقاق هستند از فکر و حقوق خارج بود.

پاسخ : حقوق، تو اعدای است الزام آورده است این را به رفته. حال در منبع آن مذهب باشد، چه احقاق و چه غیر آن.

(۴) تا زمانیکه اول مساوی حقوق و بر فردار از کلیت در جهان پیدا شدند، حقوق بین الملل هم نمی توانست وجود خارجی یابد

II

تاریخ : الف) همیشه در تاریخ این طور نبوده که یک کشور سرآمدیتر شود و یا باشد، که دولتها هم عموماً نترسیدند و می کردند و وجود دارد
 ب) برابر بدگور در منشور سازمان ملل متحد کنونی، آنها فرض حقوقی و ذهنی است و معمولاً به لحاظ سیاسی، فضیلتی و... برابر
 ۲) چه در گذشته بود و حال، گاه مناصح یک زورمند ایجاب می کرد که با کشور ناتوان معااهده امضا کند که در این صورت فرض برابر در حقوق مجلی می شود. این اصل برابر بنیادار فرضی، همیشه در زمان حال رعایت نمی شود و همیشه در زمان گذشته نقص می شد
 لذا معیار و اساساً الهی حقوقدانان معیار توانایی این کشور بود و فرض صورت انان را است. حقوق بین الملل اسلامی سوابق گوناگون ندارد.

فصل چهارم

فروع بنیاد و منبع : بنیاد یا مبانی حقوق یعنی ریشه، بنیاد، اصل و حقیقت که منبع یا محور بار سزات حقوقی
 حقوق بین الملل اسلامی : منظور ما از این اصطلاح، آن حقوق بین المللی است که فقط بر روابط بین المللی کشورها و مسائل حاکم است. منظور از این عنوان همان مقررات مابین اجزا در یک جامعه بین المللی است که کشورها و مسلمانان را شامل هر دو در این حضور دارند، یعنی اسامی و حقوق بین الملل و یا حقوق بین الملل در اسامی منظور است

منابع حقوق بین الملل عمومی : ۱) معااهده - هر توافق که میان اعضا جامعه بین المللیه شود و صرف آن ایجاد نمی آید و حقوقی باشد.
 ۲) عرف - در باره این از مسائل هر چند کشورها تصمیم و قرارداد می کنند که بعد نوشته اند، ولی در عمل اجرا می شود. خاصی را به گونه ای رعایت می کنند که از آن آنگاه التزامات بین رعایت این قواعد استنباط نویسنده مایل به منبع بودن رویه قضایی و اصول کلی حقوقی دیگر است (حقوقی نیست)

منابع حقوق اسلامی : الف) اصلی کتاب

سنت (قول، فعل و تقریر معصوم)

ب) فرضی و دلگه اجماع (در نظر شیعه، اجماع با معنی معما در زمان حضور معصوم پیام آورده یا دستور یا سنت یا منبع مستقل است. شیعه، اجماع اهل سنت را به هر حدیثی که در حدیث "لا یجتمع امی علی الخطأ" استوار است و در حکایت و نیز معیار آن را تنها محفرد اجماع فقها و اندامان امت می دانند.
 عقل (تلاشی و تیانس نزد اصل سنت)

فصل پنجم

مکان حقوق بین المللی : ۱) مجامع قواعد الزام آور حکم بر روابط بین المللی، قواعدی که از حقوق داخلی کشورها برنموده باشد.
 ۲) حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی تماماً
 ۳) هرگونه قواعد الزام آور که حکم بر روابط بین المللی است. = مهم نوعی اصح و معروف و معتاد

آیا در اسامی حقوق بین الملل و حقوق داخلی ، در نظام حقوقی مستقل شناخته می شوند یا یک نظام واحد ؟

اگر قابل به دو نظام مستقل حقوقی باشیم = دو الیم (دو بار در نظام حقوقی داخلی و بین الملل)

یا یک نظام واحد حقوقی باشیم = موئیم (یک انگار) ← موئیم یا برادر حقوقی داخلی

یا موئیم یا برادر حقوقی بین الملل

در پاسخ به سوال فوق - > معانی حقوق بین الملل <- الف) حقرا بین الملل و در (فوند برجا) از حقوق داخلی که اساسی است

در اینجا بحث نون خاص ندارد چرا که این دسته جزو لاینک نظام حقوقی است

توجه : رجاس خود قابل احرا است

ب) موئیم از معاهده یا عرف بین الملل برخاسته اند

بحث در اینجا است که مطرح می شود و نسبت دو الیم و موئیم را می بینیم

اسام و دو الیم : دو الیم مکتب نوزستی است و علم از الهیات آنها با استقلال این دو نظام حقوقی است که این دو به لحاظ مبانی با هم متفاوتند ، یکی بر خاسته از اراده کشور است و دیگر آزاد صیغه کشور . این استلال بر پایه مکتب اصالت اراده است . از نظر ما این مبنا مردود است ولذا اسام مخالف این طرز تفکرات است

اسام و موئیم : روح حاکم بر این مکتب ، به باور اولی به هم دریا و دیگری اجناس به عنوان بنیان سوالات حقوقی است . حاصل این موئیم ، در دسته اند : برادر و هدف کال حقوقی بین الملل و داخلی - همان طور که در اجتماع سوالات اجناس برادر حاکم است ، سوالات حاکم بر

برادر و هدف کال حقوقی داخلی و بین الملل - برادر (بین الملل) و برادر [استدلال] = در این سوالات

این بیان می تواند معنا شود به بردار نظام حقوقی اسام نیز واقع شود . چون یک حقوق مغز و الهی بر این حاکم است که به عنوان کل است . حکومت اسامی محبت می دهد .

موئیم معنوی و بر شریک و حدیث (دوست در قرائت طبیعی / نیاز به برادر / نیاز به برادر / اجناس و محدودیت نیاز) نظر / در حفا ستر و آسن زندگی) اینها از دوست در برادر و موئیم و گیاهان خالق برادر می آیند

مفصل ششم

* موضوع مختلف در حقوق بین الملل عمومی ، کشورها هستند . کشور چیست و آیا در حقوق بین الملل اسامی ، با سح و گفت سوالات حقوقی در اینجا می آید ؟

آریه در نظام اسامی : کمال مطلوب - حاکم بر آن سوالات حقوقی اسامی بر همه حاکم است
نظام حقوقی اسامی : وضع موجود - جوامع مختلف و سوالات حقوقی مختلف

حکومت جهانی و آرمان جامع بشری، مختص با اسلام است. پیوند، زرتشتیان، هندوان، ارسنیان، حبشیان و مصریان، غیر از این
 غیر از این، سایر ملل و ملت‌ها، حکومتها، ناسیونالیسم و ملیت‌گرایی، نازیسم و کمونیسم و... همه به انحال حکومت جهانی برده اند.
 و بر همین اساس در این میان، این است که حکومت جهانی بر سایر انسانها و بشریت برانگیزد و راه است و حکومتی بر پایه برتراد، طبیعت و...
 - پیوسته است نیز در مورد رسانده‌های شان بر این رسالت باشد بماند - سوال: رساله حضرت؟ سران کسور، جمال، استقامت و اوستا
 - در قانون اساسی ایران نیز به این ساله (رسالت جهانی) اشاره شده است (مقدمه + اصل ۱۱)

ا کسور به تعریف (این ملل در الموعود) : عبارت است از یک گروه بشری خاص بشری که مقصدش دو عنصر باشد :

- ① عنصر مادی (خدمت)
- ② عنصر معنوی (تکلیف) : تقرباً به جلوه‌ها، یا حاکمیت، بقره روز و در بعضی حق حکمرا آزاد

در شرح خدا تعالی : ① تکلیف : این ملل در مورد انسانها بر رفع نیازها و بر آوردن نیازها و در هر دو جنبه که از آن یاد شده نیازها
 تکلیف دارند تا جرح و مرجح از بر آنها را سامان دهد. تکلیف، قاهر و مستحکم است، یعنی
 نیرومند و دراز استقامت و تکلیف که قاهر و مستحکم باشد را ناقص می‌خوانند. (دار الحاکمیت محدود)
 پس توانایی این تکلیف اگر ساخته می‌شود، آن تکلیف دار است و بر همین اساس ۱۴ ماده از اصل
 بشری خواهد بود اگر قوانین الهی باشد، رژیم سیاسی-مذهبی فراهم است و پس تکلیف را
 را همین نوع درم معنی می‌کند

② لغت : حاکم باید از خود افراد جامع باشد. در غیر اینصورت کسور مستقر خواهد بود. لغت کسور
 دو جزء مجزای خود است که از آن (تکلیف) و پروان (رعیت) تشکیل شده است. حکم و رعیت، خداوند
 یا بشری را ضمیمه باشد و اینها بر حکومت در کار است

و آنچه و اینها در طرف خارج وجود دارد، تعداد معنایی از افراد است که بر اثر گردن می‌خورد (تکلیف)
 بر هم زده اند. اما کسور، یک مفهوم اعتباری و تکلیف بر است و ضمن از این دو چیز است کسور هر
 حقیقت مالمی در خارج و تصور یک شخصیت مستقل بر این، پس از عبادت از واقعیت است

منها از کسور می‌تواند شخصیت هویتی داشته باشد تا به آن می‌توان بحث کرد.
 در اسلام، کسور یک موجود ذهنی و یا یک فرض حقوقی نیست. آنچه در عالم واقع است فقط
 افرادند که گروه شده اند. لذا افراد، مخاطب قانون و تابع حقوق بین الملل هستند یعنی
 در حقوق بین الملل، روابط بین افراد مطرح است نه روابط بین کسور. در هیچ جا از عبادت
 مخالف قانون اند. منتهی از آنجا که عقل حکم می‌کند که در کارها اهتمام، امور باید در قالب
 سازمان و نظامی انجام پذیرند، مؤسسه و استقلال بر اساس دولت کار، مانند گمان از خود به هر دو کار
 محسوس برتر نشوند و از آن به بعد مقررات حقوقی منبجته این مقصدان می‌شود. مثلاً اجراء و اعدا
 لغت ما است تقسیم بین تقو (اشغال ۶۰) بر مبنای سازمان است کسور است.

لذا موضوع و تکلیفان حقوقی بین الملل، کسور به معنای ملت سازمان یافته است. یعنی اولاً و ثانیاً
 خود مردم اند (فرزندان آنها) و ثانیاً و ثالثاً و بالقرض، عده از آنها (غایبان آنها)
 گمانی آنکه در حقیقت که در بین الملل از دولت مکتوبات، دولتها و نامدارانند مردم. بار مثال هرگاه کسور،
 خار کسور را صرف کند و استعاره برسد، جامع بین المللی آن را کسور جدید شایسته می‌نند. در حالی
 که اینها بیشتر از اراده مردم ارکان است. بعضی از بحث از حاکمیت مردم جو تعین سر دولت با هم گفت
 که اینها با مفاهیمی صدر و صرفاً احصای است و نه الزام آورد که در عمل بر بین الملل، این اصول هم اعمال شود. این